

در جستجوی هلال

«نیمروز» نصف النهار ایران زمین بوده است. با توجه به وجود رصدخانه در سیستان در سالیان قبل، پیشینیان با استفاده از علم نجوم و ستاره‌شناسی زمان آغاز و پایان ماه و نیز وقت سحر را تشخیص می‌داده‌اند. با وجود این آغاز ماه مبارک رمضان صرفاً پس از دیده شدن هلال با چشم اعلام می‌شده است.

در بلوچستان برای رؤیت ماه، افراد خاص در هر شهر و روستا وجود داشته‌اند که به «چمروک» معروف بوده‌اند، یعنی کسانی که چشمان روشن و تیزبینی دارند. اغلب آن‌ها شکارچیان آن منطقه بوده‌اند. آن‌ها از دوروز قبل هنگام صبح پیش از طلوع آفتاب هلال ماه را در سمت شرق رصد می‌کرده‌اند. چنانچه دو روز متوالی هلال در هنگام صبح در شرق رؤیت نمی‌شده، تقریباً مطمئن می‌شده‌اند آن روز هنگام غروب، هلال باریک ماه را در سمت جنوب غرب در آسمان رؤیت خواهند کرد. آن‌ها به همین دلیل شب پایان ماه شعبان، از پله‌های مارپیچ مناره خشتی مسجد که در اصطلاح محلی به آن «تول» می‌گفته‌اند بالا رفته و به همراه دو یا سه نفر دیگر به عنوان شهود مشغول رصد هلال باریک ماه می‌شده‌اند.

در قدیم بدون امکانات و دوربین بلکه فقط با چشمان تیزبین این شکارچیان، ماه رصد می‌شده که اغلب هم موفق می‌شده‌اند آن را ببینند. پس از رؤیت ماه، یک یا چند نفر که در بلندی مستقر بوده‌اند از همان جا جار می‌زده‌اند «آ ماه و آ ماه» یعنی «آن ماه است».

در این هنگام سایر مردم در مسجد و در منازل خود نیز نگاه می‌کرده‌اند، چنانچه آن‌ها هم ماه را می‌دیدند همین جمله را تکرار می‌کرده‌اند. مردم بر اساس اعتمادی که به چمروک‌ها داشته‌اند بلافاصله جار می‌زده‌اند «آ ماه و آ ماه» و این آواز به صورت دسته‌جمعی از طرف تمام اهالی محل به مدت چند دقیقه در تمام روستا طنین‌انداز بوده و به مردم اعلام می‌کرده ماه مبارک رمضان آغاز شده است.

نخستین اقدام پس از رؤیت ماه دعای «سری سلامتی جان و شوی دل و شوی په خیر په برکتی کنت» است که به زبان بلوچی خوانده می‌شود، به این معنی که «خداوند این ماه را برای ما به ماه صحت ماه سلامت ماه دلخوشی‌ها ماه روزی و برکت و ماه رحمت تبدیل کن» و این البته همه آیین‌های رمضان نیست.

در گذشته در سیستان و بلوچستان هنگام سحر با دهل زدن یا سحرخوانی مردم را برای خوردن سحر و نماز بیدار می‌کردند، بر اساس برخی از روایت‌های موجود، آیین سحرخوانی و رمضان خوانی بیش از هزار سال پیش یعنی از اوایل اسلام نزد ساکنان استان مرسوم بوده است.

در بسیاری مواقع با ایجاد سروصدا در هنگام سحر با ابزاری که در اختیار داشتند و یا کوبیدن در منازل یا چاوشی کردن (خواندن اشعاری زیبا و عرفانی) فرارسیدن هنگام سحر را به همدیگر اطلاع می‌دادند که تا سال‌های متمادی به دلیل نبود رسانه یا وسایل ارتباط جمعی این شیوه مورد توجه بوده است.

در بلوچستان نیز سال‌ها قبل از اینکه وسایل ارتباط جمعی وارد زندگی مردم شود از نوعی دهل برای بیدار کردن مردم در سحرگاهان استفاده می‌شد و شخصی که مسئولیت دهل زدن را بر عهده داشت در سه مرحله این کار را انجام می‌داد.

دهل زن در مرتبه نخست دهل را برای بیدار کردن مردم می‌نواخت و در مرتبه دوم نوازنده برای هشدار کسانی که خواب مانده بودند یک بار دیگر دهل را در کوچه‌های شهر یا روستا به صدا درمی‌آورد و در مرتبه سوم برای یادآوری زمان اذان دهل نواخته می‌شد.

در این آیین هنگام سحر اشخاصی که زودتر بیدار می‌شوند برای اطلاع دیگران و همسایه‌ها به در منازل آن‌ها رفته و بیدارشان می‌کنند. در گذشته به طور معمول در هنگام سحر تعدادی از بزرگان و ریش‌سفیدان با رفتن بر بام فریاد می‌زدند «پاد آیت، پاد آیت» به معنای «بیدار شوید، بیدار شوید» و تا بیدار شدن همگان به صدا زدن ادامه می‌دادند.



انواع پلو و پکوره خوراکی‌های رایج افطاری در سیستان و بلوچستان هستند



در پایان رمضان خوانی این گروه، صاحبخانه بنا به فراخور توانایی مالی خود، در کیسه که فرد جولی کش آن را بر دوش دارد، مواد غذایی یا هر چیز دیگری می‌گذارد. اگر صاحبخانه توان مالی برای کمک کردن نداشت به شوخی کاسه آبی به نشانه روشنایی روی گروه رمضان خوان می‌پاشد تا خداوند همواره روشنایی و شادی را به آنان هدیه کند.

گروه رمضان خوان پس از پایان این آیین در محلی تجمع و کمک‌های اهدایی مردم را جمع‌بندی و چنانچه در میان خودشان مستمندی وجود داشت مقداری از آن را به او می‌دهند و بقیه را بین مستمندان و نیازمندان محله خودشان تقسیم می‌کنند. آنچه در خواندن رمضونیکه مورد توجه بوده است، اینکه رمضون خوانی تا پیش از شب نوزدهم ماه مبارک و مصادف با ضربت خوردن مولای متقیان امام علی (ع) پایان می‌یافت. فلسفه این آیین که از ۱۳ ماه مبارک رمضان آغاز می‌شود و تا شب قبل از ضربت خوردن حضرت علی (ع) ادامه دارد، در این است که مردم سیستان به پیروی از امام اول شیعیان اقدام به این امر خداپسندانه برای کمک به مستمندان و یتیمان می‌کنند. در گذشته این آیین توسط ریش‌سفیدان و بزرگان و امروزه توسط جوان‌ترها انجام می‌شود، به این صورت که دور هم جمع شده، اشعاری در شکرگزاری از خداوند و در مدح پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) می‌خوانند و آمدن ماه مبارک رمضان را نوید می‌دادند. در آخر مردم نیز در حد بضاعت خود هدایایی شامل گندم، آرد، خرما، نان، پول و... به آنان می‌دادند که در نهایت بین مستمندان و یتیمان توزیع می‌شد.

● پیشواز و بدرقه رمضان

اهالی سیستان و بلوچستان البته چند روز مانده به آغاز رمضان، ماه ضیافت الهی با برپایی آیین‌های خاصی به پیشواز ماه مبارک می‌روند. آن‌ها با روزه گرفتن در روز اول ماه رجب و مراسم ویژه نیمه شعبان یعنی نذر مخصوص که در شب پانزدهم ماه شعبان می‌دهند و غذای محلی مخصوص و حلوائ خرما برای اطعام مساکین در مسجد محل توزیع و ثواب آن را برای اموات خود از خداوند طلب می‌کنند و معتقدند در شب نیمه شعبان که شب تولد امام زمان (عج) بوده، نذر مخصوص در گذشتگان معمول است. روزه گرفتن اول رجب و مراسم نیمه شعبان در واقع یک نوع تمرین و آماده شدن برای حضور در میهمانی خداوند است که در ماه مبارک رمضان مسلمانان میهمانان این سفره سراسر رحمت و خوان گسترده معرفت و معنویت هستند. در پایان ماه رمضان هم مردم سیستان و بلوچستان به بلندی‌های اطراف می‌روند و بی‌صبرانه رؤیت هلال ماه شوال را جست‌وجو می‌کنند. ترانه‌های عامیانه سیستانی نیز بخش مهمی از گنجینه فرهنگی این دیار است که همانند آینه‌ای پاک، از زندگی بی‌غل و غش مادی و معنوی مردم سیستان حکایت می‌کند. در روز عید فطر مردم این دیار علاوه بر شرکت در نماز در عیدگاه‌ها و پرداخت فطریه، به دید و بازدید یکدیگر می‌روند و در کنار این رسم و رسومات از ترانه‌های عامیانه سیستانی در جشن عید سعید فطر استفاده می‌کنند.



سفره‌های افطار مردم این منطقه همیشه ماست و خرما دارد و علاوه بر خوراکی‌های مرسوم مثل آش و حلیم، میوه و شربت هم برای رفع عطش گرمای طاقت‌فرسا طرفداران خاص خود را دارد